

## فهرست مطالب

پیشگفتار .....	۱۱
<b>فصل اول - بررسی پدیده‌ی خشونت در مدرسه .....</b>	<b>۱۵</b>
نظریه‌هایی در زمینه‌ی ریشه‌های تکوینی خشونت .....	۱۷
منشا خشونت: توارث یا محیط .....	۲۰
خشونت در مدرسه .....	۲۶
خشونت در مدرسه پدیده جدیدی نیست .....	۲۷
علل رفتارهای خشونت‌آمیز دانش‌آموزان در مدرسه .....	۳۰
انواع رفتارهای خشونت‌آمیز .....	۳۴
قلدری، شکلی از خشونت دانش‌آموزان .....	۳۵
جنسیت و پرخاشگری .....	۳۹
خشونت بزرگسالان در مدرسه .....	۴۱
اثرات خشونت بر دانش‌آموزان .....	۴۷



انتشارات سخن  
خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه  
خیابان وحید نظری شماره ۴۸  
فکس ۶۶۴۰۵۰۶۲  
www.sokhanpub.com  
Email: info@sokhanpub.com

### به خشونت در مدرسه پایان دهیم دکتر زهرا بازرگان

چاپ اول: ۱۳۹۴

تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

حروفچینی: گنجینه

لیتوگرافی: کوثر

چاپ: مهارت

شابک ۹ - ۷۳۶ - ۳۷۲ - ۹۶۴ - ۹۷۸

مرکز پخش: انتشارات علمی - خیابان انقلاب - مقابل دانشگاه تهران  
شماره ۱۲۲۴ تلفن: ۶۶۴۶۵۹۷۰ - ۶۶۴۶۰۶۶۷

ب-۷-۴- نقش سازمان‌ها و تشکل‌های دانش‌آموزی ..... ۹۹

ب-۸- مقابله با خشونت به کمک برنامه‌ی درسی ..... ۱۰۲

ب-۸-۱- آموزش صلح ..... ۱۰۴

ب-۸-۲- حذف خشونت از موسسه‌های تربیتی شبانه‌روزی، خانه‌های امن و مراکز نگهداری کودکان و نوجوانان ..... ۱۰۶

نمونه‌هایی از طرح‌های موفق مقابله با خشونت در مدرسه ..... ۱۱۱

ب-۹- مقابله با خشونت در مدرسه به کمک مدیریت زنگ تفریح ..... ۱۳۴

ج- نقش دانشگاه‌ها در مقابله با خشونت در مدرسه ..... ۱۴۰

ج-۱- توانمندسازی نیروی انسانی در آموزش و پرورش از دوره‌های پیش‌دبستانی تا پایان تحصیلات دانشگاهی ..... ۱۴۳

ج-۲- انجام پژوهش ..... ۱۴۳

ج-۳- ارائه‌ی خدمات تخصصی به جامعه ..... ۱۴۳

د- مشارکت اولیا و جامعه‌ی محلی در مقابله با خشونت در مدرسه .. ۱۴۴

ه- نقش رسانه‌ها در کاهش خشونت در مدرسه ..... ۱۵۰

**فصل سوم - مقابله با خشونت در مدارس ایران ..... ۱۵۳**

الف- مدرسه، مهمترین جایگاه پیشگیری از خشونت ..... ۱۵۶

ب- برنامه‌ی جامع و عملی مدرسه در مقابله با خشونت ..... ۱۵۷

ج- سایر عوامل موثر در حذف فرهنگ خشونت ..... ۱۶۰

ج-۱- حمایت از موفقیت تحصیلی و تجدیدنظر در نحوه‌ی ارزشیابی دانش‌آموزان ..... ۱۶۰

الف- اثرات فیزیکی خشونت ..... ۴۸

ب- اثرات روانی ..... ۴۸

ج- اثرات آموزشی ..... ۵۰

د- اثرات اجتماعی خشونت ..... ۵۲

کودکان و نوجوانان آسیب‌پذیر در مقابل خشونت ..... ۵۳

**فصل دوم - سیاست‌ها و راهبردهای ضدخشونت در مدرسه در سطح جهانی، ملی و محلی ..... ۵۷**

الف- نقش دولت‌ها ..... ۵۷

ب- نقش مدرسه در پیشگیری و کاهش خشونت؛ روش‌های عملی ..... ۶۲

ب-۱- نقش مدیریت و رهبری مدرسه ..... ۶۵

ب-۲- لزوم تجدیدنظر در آموزش مدیران ..... ۶۹

ب-۳- اثرات جو فیزیکی و اجتماعی روانی مدرسه ..... ۷۰

ب-۴- آموزش معلم‌ها؛ جذب افراد باصلاحیت برای حرفه تدریس ..... ۷۴

ب-۵- کاهش خشونت از طریق تقویت مهارت‌های ارتباطی و سلامت عاطفی معلمان و کارکنان مدرسه ..... ۷۶

ب-۶- طرح تدریس مثبت: نمونه‌ای از مدل‌های موثر آموزش معلمان ..... ۷۹

ب-۷- جلب مشارکت دانش‌آموزان در برنامه‌های پیشگیری از خشونت ..... ۸۶

ب-۷-۱- دختران و مقابله با خشونت ..... ۹۰

ب-۷-۲- نقش دانش‌آموزان تماشاگر خشونت ..... ۹۴

ب-۷-۳- قربانیان تحریک‌کننده‌ی خشونت ..... ۹۸

- ج-۲. ساختارهای فیزیکی و برنامه‌های غیرآموزشی و تکمیلی مدرسه ۱۶۱
- د-اولیا، شرکای اصلی حذف خشونت در مدرسه ..... ۱۶۸
- ه- حمایت از مدیران ..... ۱۷۳
- ه-۱. عوامل هموارکننده انتقال نقش مدیر به رهبر آموزشی ..... ۱۷۴
- ه-۲. موثرترین برنامه مقابله با خشونت در مدرسه ..... ۱۷۷
- منابع و ماخذ ..... ۱۷۹

## پیشگفتار

خشونت و پرخاشگری دانش‌آموزان در مدرسه، رفتار جدیدی نیست. در مدرسه همواره دانش‌آموزانی وجود دارند که به دلایل مختلف فردی، اجتماعی و فرهنگی، با خشونت‌های کلامی مانند توهین، ناسزا، تحقیر، بدگویی و برچسب زدن به دیگران و یا با پرخاشگری و خشونت‌های بدنی، تلاش می‌کنند تا تعارض‌های شخصی و مسائل بین فردی خود با دیگران را حل کنند. وجود این قبیل دانش‌آموزان نه تنها به دلیل متشنج کردن جو کلاس و مدرسه مانع یادگیری دانش‌آموزان و تحقق اهداف آموزش و پرورش می‌شود، بلکه اعمال خشونت به عنوان رفتاری واگیر می‌تواند به شیوع دیگر رفتارهای نامطلوب و مسموم شدن محیط مدرسه بیانجامد و سلامت و بهداشت روانی دانش‌آموزان را به خطر افکند. ترس از مدرسه، بی‌زاری از تحصیل، گریز از مدرسه، افت و ترک تحصیل، برخی از عواقب وجود خشونت در مدرسه است.

در دو دهه‌ی اخیر به دلیل نتایج ناگوار خشونت در مدارس، بسیاری از پژوهشگران کشورهای صنعتی، پژوهش‌های وسیعی را در مورد عوامل پدیدآورنده این رفتار آغاز کرده‌اند و ضمن بررسی ریشه‌های وجود خشونت، پیشنهادهای مختلفی را برای مقابله با آن ارائه داده‌اند (اولوئوس ۱۹۸۷، بساک ۱۹۸۹، اسمیت و شارپ ۱۹۹۵، مک منوس ۱۹۹۵). ارزیابی اقدامات انجام‌شده برای جلوگیری یا کاهش خشونت در مدرسه توسط برخی از پژوهشگران نشان می‌دهد که کاهش خشونت در مدرسه، کاری عملی و انجام‌شدنی است.

در ایران با این که وجود پدیده‌ی خشونت در مدرسه مورد تایید اولیای مدرسه است و شکایت دانش‌آموزانی که در معرض خشونت‌های کلامی یا بدنی قرار دارند به دفتر مدرسه و به اولیای خود، از بروز چنین رفتارهایی در محیط آموزشی حکایت می‌کند، پژوهش‌های تحلیلی اندکی در زمینه ابعاد، تنوع و علل بروز آن انجام شده است. پژوهش‌های بازرگان و همکاران (۱۳۷۹ و ۱۳۸۰) بررسی پدیده‌ی خشونت کلامی و بدنی در مدارس شهر تهران نشان می‌دهد، که این نوع رفتار چه از سوی دانش‌آموزان نسبت به یکدیگر و چه از سوی بزرگسالان مدرسه نسبت به دانش‌آموزان، به ویژه در مدارس پسرانه قابل توجه و چشمگیر است. در این پژوهش‌ها خصوصیات فردی دانش‌آموزان، شرایط خانوادگی و فرهنگی، نارسایی‌ها و کمبودهای مدرسه به خصوص در زمینه‌ی جو اجتماعی روانی و

ارتباطات حاکم، از عوامل پدیدآورنده یا افزایش‌دهنده خشونت در مدرسه عنوان شده است.

نگاهی گذرا به نحوه‌ی حل و فصل مسائل انضباطی در مدارس ایران، نشان می‌دهد که روش‌های تربیتی در اکثر مدارس کشور ما هنوز بر اصل تشویق و تنبیه تکیه دارد و کمتر بر اصول متکی بر روانشناسی و شناخت علل و ریشه‌های خشونت و پرخاشگری و تلاش برای ریشه‌کن کردن آن استوار است. نتیجه‌ی نظرخواهی‌های مختلف از دانش‌آموزان در مورد مدرسه مطلوب، نشان‌دهنده انتظار دانش‌آموزان از رفتارها و روابط غیرخشونت‌آمیز و احترام به شخصیت آنان است. همچنین، اولیای دانش‌آموزان درباره‌ی خشونت در مدرسه معترض و شاکی بوده‌اند و این موضوع را مطرح می‌کنند که فرزند خود را به منظور رشد و شکوفایی جنبه‌های مختلف شخصیت وی به مدرسه می‌فرستند و خواستار روابط انسانی مطلوب و روش‌های سازنده‌ی تربیتی هستند. از طرفی دلایل انسان‌دوستانه و توجه به حقوق دانش‌آموزان ایجاب می‌کند که برنامه‌ها و روش‌هایی در مدرسه اتخاذ شود تا دانش‌آموزان در محیط یادگیری از فضای فیزیکی و روانی سالم، امن و آرامش‌بخشی برخوردار شوند تا استعدادها و شخصیت‌شان بالنده و شکوفا شود.

طبیعتاً انجام پژوهش‌هایی در ایران در مورد وجود و چگونگی خشونت در مدارس و روش‌های مقابله با آن، با توجه به تجارب موفق کشورهای دیگر، می‌تواند برای مسئولین و معلمان کشور ما مفید

باشد و آنان را در تامین بهداشت روانی دانش‌آموزان و تحقق اهداف آموزش و پرورش مصمم ترکند.

کتاب حاضر، مساله خشونت در محیط‌های آموزشی و عوامل ایجادکننده آن را در شهر و روستا با بهره‌گرفتن از منابع معتبر در ایران و جهان و به‌ویژه گزارش جهانی مقابله با خشونت در مدرسه (۲۰۰۵) و دوگزارش پژوهشی در دانشگاه تهران (در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰) تحلیل و بررسی می‌کند. در این اثر، راهبردهای مقابله با خشونت در مدرسه در سطح سیاستگذاری، در خانواده، مدرسه، جامعه‌ی محلی، نهادهای مردمی و حتی در سطح خود دانش‌آموزان معرفی می‌شود. در پایان نقش عمده‌ی هریک از عوامل فوق در مهار جو خشونت و در برقراری محیطی امن، سالم و پذیرنده برای رشد و یادگیری دانش‌آموزان در مدرسه بررسی می‌شود.

## فصل اول

### بررسی پدیده‌ی خشونت در مدرسه

#### مقدمه

مشاهده‌ی یک روز از زندگی پرتلاطم دانش‌آموزان در مدرسه، در مقاطع تحصیلی و مناطق مختلف آموزش و پرورش، در شهر و روستا، درکلاس و به‌ویژه در حیاط مدرسه، که دانش‌آموزان در آنجا اغلب به بازی و استراحت و تخلیه‌ی انرژی خود مشغولند، صحنه‌هایی از خشونت و درگیری بین دانش‌آموزان یا بین بزرگسالان مدرسه یعنی مسئولین، معاونین و معلمان با دانش‌آموزان را آشکار می‌کند. این خشونت‌ها گاه به صورت کلامی با توهین، تحقیر و برچسب زدن و گاه به صورت خشن‌تر نظیر خشونت‌های بدنی بروز می‌کند. اثرات فردی و اجتماعی این خشونت‌ها برکسی پوشیده نیست. کودکی که به هر علت در محیط آموزشی با خشونت‌های کلامی یا بدنی مواجه شود، علاوه بر احساس ناامنی و بی‌زاری از مدرسه، که عواقب آن در زندگی

تحصیلی او به تدریج آشکار خواهد شد، اثرات ناگوار این نوع رفتار را در تمام مراحل زندگی همراه خواهد داشت، به نحوی که او نیز ممکن است بعدها هنگام تشکیل خانواده یا در مسئولیت‌های کاری، رابطه‌ای ناسالم با دیگران برقرار کرده و چه بسا خشونت را از نسلی به نسل دیگر انتقال دهد و در تداوم جامعه‌ای ناسالم مشارکت کند.

سطح خشونت در مدرسه، اشکال مختلف و ابعاد آن، اغلب، انعکاسی از سطح خشونت و چگونگی آن در کشور، در جامعه محلی و در خانواده است و شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بر آن تاثیرگذار است. در بسیاری از جوامع و فرهنگ‌ها، ساختارهای سلسله‌مراتبی در جامعه به صورتی شکل گرفته است که افراد با مقام و قدرت بیشتر به خود حق می‌دهند بر آنهایی که در مراتب پایین‌تر اجتماعی هستند، با اعمال خشونت یا تهدید، تسلط داشته باشند. طبیعی است که این گونه روابط ناسالم در مرحله‌ی بعد، روابط بین اعضای خانواده را تحت تاثیر قرار می‌دهد، سپس اثر آن در سایر نهادهای تربیتی نظیر مدرسه، بین معلمان و یادگیرندگان، بزرگترها و کوچکترها تجلی خواهد کرد.

در بخش اول کتاب، پس از واکاوی نظریه‌هایی در زمینه‌ی ریشه‌های خشونت و پرخاشگری در جامعه، وجود این پدیده در مدرسه، چه از سوی دانش‌آموزان به یکدیگر و چه از سوی بزرگسالان به دانش‌آموزان، بررسی شده و به پاسخ‌های رایج به این رفتار در نهادهای آموزشی کشور توجه می‌شود و سپس عواقب مصیبت‌بار

جو خشونت‌آمیز بر یادگیرندگان از نظر فیزیکی، روانی، اجتماعی و آموزشی تحلیل خواهد شد.

در بخش دوم، سیاست‌ها و راهبردهای ضد خشونت در مدارس کشورهای پیشرفته، تجربه‌های موفق آموزش و پرورش در این زمینه و اقدامات موثری که در آن کشورها برای پیشگیری و کاهش رفتارهای خشونت‌آمیز در مدارس به کار گرفته می‌شود، بررسی می‌شود.

بخش سوم به ارائه پیشنهادها و معرفی برنامه‌های جامع و عملی در تعدیل جو خشونت در مدارس ایران با در نظر داشتن فرهنگ، امکانات و انتظارات دانش‌آموزان، والدین و مربیان می‌پردازد. در این زمینه برخی از عوامل موثر در مهار خشونت در درون مدرسه از قبیل ایجاد ساختارهای سرپرستی و حمایت از دانش‌آموزان، ارائه خدمات ویژه، مدیریت زنگ تفریح، فعالیت‌های تکمیلی مدرسه و غیره با تاکید خاص بر نقش هریک از عوامل ذینفع در مدرسه، مدیران، معلمان، اولیا و دانش‌آموزان تشریح می‌شود.

### نظریه‌هایی در زمینه‌ی ریشه‌های تکوینی خشونت و پرخاشگری

خشونت، پدیده‌ای پیچیده است و عوامل درونی و بیرونی متعددی در تکوین و گسترش آن دخالت دارند. به طور کلی به شخصیت و رفتار انسان می‌توان به عنوان سامانه‌ای باز توجه کرد که در آن، عناصر متعددی در تعامل با یکدیگر هستند. در این سامانه، خشونت را می‌توان به مثابه یکی از رفتارهای آدمی مطالعه کرد.

برای تحقق اهداف خود به کار برد.

**عوامل بازدارنده:** عوامل بازدارنده موجود در شخصیت فرد، از ابراز آزاد خشونت جلوگیری می‌کند. در صورت عدم وجود بازدارنده‌های درونی، این احتمال بسیار است که فرد تحت تاثیر انگیزه‌های درونی خود به رفتار پرخاشگرانه دست بزند مگر این که پاسخ‌های قوی تری در اختیار داشته باشد و یا بازدارنده‌های بیرونی محیط، او را از دست زدن به رفتارهای پرخاشگرانه باز دارد.

**عوامل موقعیتی یا محیطی:** انسان در خلاء زندگی نمی‌کند و رفتارش نه تنها تحت تاثیر خصوصیات شخصیتی اوست بلکه همواره با توجه به موقعیت و شرایطی که در آن قرار گرفته، رفتار می‌کند. عوامل محیطی ممکن است بروز رفتار خشونت‌آمیزی را تسهیل یا از وقوع آن جلوگیری کند. برای مثال وجود جمعیتی تشویق‌کننده ممکن است انجام عمل خشونت‌آمیزی را تسهیل کند درحالی که حضور یک نماینده قانون، فرد را از ارتکاب به چنین رفتاری باز دارد.

بدین ترتیب، برای انجام عملی خشونت‌آمیز یا پرخاشگرانه لازم است عوامل انگیزشی بر عوامل بازدارنده درونی و بیرونی غلبه کنند. البته باید در نظر داشت که انسان موجود پیچیده‌ای است و در هر زمان در درون او پاسخ‌ها و رفتارهای متعددی در رقابتند و او باید در مورد انتخاب یکی از پاسخ‌ها تصمیم بگیرد که این فرآیند

عناصر این سامانه شامل خصوصیات ارشی، عوامل بیولوژیکی و هورمونی، نیروهای روان‌شناختی و مشخصه‌های فرهنگی و اجتماعی هستند که با یکدیگر در تعاملند (حجت، ۱۹۹۵).

در زمینه‌ی منشا و ماهیت خشونت و پرخاشگری، نظریه‌ها و پژوهش‌های مختلف و متنوع علمی وجود دارد و این رفتار از دیدگاه‌های مختلف و با توجه به رشته علمی دانشمندان علاقه‌مند به این موضوع، مطالعه شده است. آنها براساس نظریه‌های ارایه شده، پیشنهادهای مختلفی را برای کنترل خشونت‌های اجتماعی مطرح کرده‌اند. برخی معتقدند که ریشه‌های مشترک، زیربنای بسیاری از رویکردهای نظری مربوط به پدیده‌ی خشونت است. خشونت و پرخاشگری از جمله رفتارهای بشر است و درهریک از فعالیت‌های بشری عوامل مشترکی وجود دارد که در توضیح آن رفتار باید در نظر گرفته شود که این اصل در مورد پرخاشگری هم صدق می‌کند. پژوهشگران در تحلیل رفتارهای پرخاشگرانه این عوامل را به سه دسته تقسیم می‌کنند:

**عوامل درونی:** این عوامل، شامل نیروهای درونی است که باعث ایجاد انگیزه و تمایل و سوق دادن فرد به سوی رفتار پرخاشگرانه می‌شود. با این که ممکن است در ذات بشر تحریکات درونی برای اعمال خشونت و نوعی تمایل برای آزار رساندن به دیگران وجود داشته باشد، خشم و دشمنی، تنها منبع انگیزشی برای رفتار خشونت‌آمیز نیست. فرد یا گروه، ممکن است خشونت را وسیله‌ای

متعلق به خانواده‌هایی با روش‌های تربیتی و رفتار خشونت‌آمیزند. این نوع خانواده‌ها که راه‌حل‌های خشونت‌آمیز یا پرخاشگرانه را به خصوص در زمینه‌ی روش‌های انضباطی ترجیح می‌دهند، فرزندان خود را در معرض مشاهده الگوی پرخاشگرانه قرار می‌دهند «برکویتز» (۱۹۷۳).<sup>۱</sup>

به طور کلی، اولیا به عنوان اولین معلم کودک می‌توانند منبع مهمی برای مشاهده و یادگیری رفتارهای پرخاشگرانه باشند. تداوم تنبیه بدنی در خانواده، الگویی در اختیار کودکان قرار می‌دهد که چگونه می‌توان دیگران را به خصوص وقتی کوچکترند آزار و اذیت کرد. استفاده از تنبیه بدنی نوجوانان، دشمنی و خشم آنان را برمی‌انگیزد و این احتمال را افزایش می‌دهد که آنها نیز در برخورد با دیگران به خشونت بدنی روی آورند.

تاثیر خرده‌فرهنگ شامل وضعیتی است که کسب مقام و تایید اجتماعی در مرحله‌ی اول با دعوا و سایر راه‌حل‌های خشونت‌آمیز به دست می‌آید. بنابراین، افرادی که از طریق پرخاشگری به اهداف خود می‌رسند، مدل‌های معتبری به نظر می‌رسند و کودکان برای کسب موفقیت، رفتارهای این افراد را تقلید می‌کنند.

الگوگیری نمادین، اغلب از طریق تصاویر و کلماتی که توسط رسانه‌های گروهی به خصوص تلویزیون ارایه می‌شود به دست

محیط اشاره دارند که تا چه حد پاسخ پرخاشگرانه و یادگرفته شده را پاداش می‌دهد. این دو محقق به پرخاشگری ابزاری توجه کرده‌اند که به عنوان وسیله‌ای برای تحقق اهداف دیگر به کار می‌رود؛ مثلاً توسط به پرخاشگری یک کودک برای وادار کردن کودک دیگر به رها کردن اسباب‌بازی خود یا جلب تایید اولیاء با تقلید رفتار پرخاشگرانه بچه‌ها.

براساس مطالعات این پژوهشگران، پاسخ به پرخاشگری هم می‌تواند نتایج پیچیده‌ای دربرداشته باشد. برای مثال، آنان براین اعتقادند که تنبیه بدنی برای رفتار پرخاشگرانه ممکن است موجب بازداشتن کودک از ارتکاب عمل پرخاشگرانه شود اما برای او الگویی برای تقلید می‌شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تنبیه کلامی یا بدنی توسط فرد ممکن است مانع پرخاشگری در حضور شخص تنبیه کننده شود اما کودکانی که تنبیه می‌شوند رفتارهای پرخاشگرانه شدیدی در برابر افرادی غیر از تنبیه‌کنندگان نشان خواهند داد که این موضوع نتیجه‌ی الگوپذیری از رفتار خشونت‌آمیز است.

پرخاشگری از طریق سه منبع مهم یادگیری مشاهده‌ای به کودک عرضه می‌شود:

۱- خانواده

۲- خرده فرهنگ

۳- الگوگیری نمادین

کودکانی که رفتار ضداجتماعی از خود نشان می‌دهند اغلب



می‌آید. کودک قبل از سن کودکستان از طریق این رسانه‌ها صحنه‌های بیشماری از دعوا، کتک‌کاری، رفتارهای انتقام‌جویانه و سایر رفتار خشونت‌آمیز را می‌بیند. در آمریکا مطالعات متعدد درباره‌ی اثرات تلویزیون بر کودکان و نوجوانان نشان داده است که در ۸۰ درصد برنامه‌های مورد مطالعه، حداقل یک مورد خشونت وجود داشته است. در این زمینه فیلم‌های کارتونی بالاترین فراوانی خشونت را چه از طرف شخصیت‌های خوب داستان و چه از سوی شخصیت‌های بد دربرداشته‌اند. مشاهده‌ی دایمی خشونت نه تنها رفتار پرخاشگرانه کودکان را افزایش می‌دهد، بلکه احساس همدردی کودک را برای قربانیان خشونت کاهش می‌دهد.

نتایج برخی از پژوهش‌ها در ایران نیز این نتایج را تایید می‌کند. بدین معنی که کودکان از طریق مشاهده و تقلید از رفتارهای اولیا، همسالان، جامعه‌ی محلی، تلویزیون، سینما و نشریات، روش‌های زیادی را برای آزار رساندن به دیگران یاد می‌گیرند و رفتار مشاهده‌شده را در مواقعی که عصبانی، خشمگین یا ناکام در رسیدن به اهداف خود یا در تعارض با دیگرانند به کار می‌برند (باقری قرشپز، ۱۳۷۵).

یکی دیگر از اشکال کسب رفتارهای پرخاشگرانه، تجربه‌ی مستقیم است. در این مورد، رفتار با پاداش یا تنبیه همراه است. بدین معنی که رفتارهای موفق، تقویت می‌شوند و رفتارهای ناموفق، اغلب با عدم تقویت مثبت یا مواجه شدن با نتایج مخالف‌آمیز و نامطلوب

خاموش می‌شوند. در پژوهش پاترسون و دیگران (۱۹۶۷) در مورد کودکان منفعلی که آزار و اذیت می‌شوند، آموزش فنون رزمی و روش‌های مقابله به مثل به آنها، در کاهش حملات خصمانه سایر دانش‌آموزان موثر بوده است. بر اساس بررسی‌ها با در پیش گرفتن چنین عملکردی، نه تنها فراوانی رفتار دفاعی این کودکان افزایش یافت، بلکه کودکان منفعل، خود اقدام به کتک زدن افرادی کردند که به آنها تعدی می‌کردند.

البته روان‌شناسانی که برای رفتار پرخاشگرانه، منشاء ژنتیکی قایلند، به اهمیت تجربه‌های فردی و عوامل محیط فرهنگی در بروز رفتارهای صلح‌طلبانه یا خشونت‌آمیز بی‌توجه نبوده‌اند. براساس نظر آنان، خشونت انسان برخلاف حیوانات می‌تواند با عوامل تجربی تغییر کند و انسان برخلاف حیوان این توانایی را دارد که براساس تجربه‌های خود از یک نسل به نسل دیگر در خود تغییراتی ایجاد کند. برای مثال، «تینبرگن» (۱۹۶۸)<sup>۱</sup> معتقد است که در دوران طفولیت مرحله حساسی وجود دارد که در آن مرحله، عوامل محیطی و تجربه‌های فرد، بیش از هر دوره‌ی دیگر می‌تواند رفتار وی را تحت تاثیر قرار دهد. او تاکید می‌کند که تجربیات این دوره می‌تواند نگرش‌های عاطفی و انگیزشی فرد را تحت تاثیر قرار دهد.

به طورکلی از طرف صاحب‌نظران، عوامل مربوط به محیط زیستی

1. Tinbergen

دانش‌آموزان است. در کشورهایی که سال‌هاست در خصوص کاربرد نظریه‌ها و روش‌های سازنده کار می‌کنند و مدیران و معلمان به طور مستمر برای ارایه رفتارهای تربیتی سازنده، آموزش می‌بینند خشونت بزرگسالان کمتر مطرح است و در گزارش‌های سال‌های اخیر اشاره چندانی به مساله خشونت اولیای مدرسه به دانش‌آموزان نمی‌شود. حال آن‌که در کشورهای دیگر به ویژه در آسیا و آفریقا، موارد متعددی از خشونت بزرگسالان به کودکان گزارش می‌شود.

### خشونت در مدرسه پدیده‌ی جدیدی نیست

مساله‌ی اعمال خشونت و پرخاشگری در مدرسه، قدمتی طولانی به قدمت عمر مدرسه دارد. مطالعات «کارتیس» (۱۹۶۳)<sup>۱</sup> درباره‌ی علل و طرز برخورد با مساله خشونت در قرن گذشته در مدارس و دانشگاه‌های انگلستان، نشانگر انواع رفتارهای تند و پرخاشگرانه در آموزشگاه‌ها و نحوه‌ی برخورد مسئولین و معلمان با مساله‌ی خشونت و نوع تنبیه‌هاست.

در امریکا تاکید بر مدیریت کلاس و ایجاد مدارس منضبط در دهه‌ی گذشته، به بحث‌های داغ و پژوهش‌های گسترده در مورد وجود خشونت در مدرسه و چگونگی رفتارهای نامطلوب دانش‌آموزان منتهی شده است و رسانه‌های گروهی گزارش‌های

فرد در دوران کودکی از گزینه‌های مهم در رشد‌گرایش برای رفتار خشونت‌آمیز یا صلح‌جویانه گزارش شده است و نهال پرخاشگری و خشونت معمولاً در محیطی به بار می‌نشیند که از نظر زیستی و پیوندهای عاطفی و اخلاقی، سست و فاقد الگوی سالم برای همانندسازی باشد.

### خشونت در مدرسه

در سال‌های اخیر می‌توان گفت اقبال مختلف جامعه به مساله‌ی خشونت در مدارس به عنوان مساله‌ای اجتماعی و تهدیدی برای سلامت عمومی جوامع، بیشتر از پیش توجه می‌کنند. رسانه‌ها با انعکاس رویدادهای خشونت‌آمیز در مدارس، در مورد افزایش این روند هشدار می‌دهند و نظام‌های آموزشی را به عنوان یکی از نهادهای موثر و مسئول، به چاره‌جویی برای مقابله با این معضل اجتماعی و تدبیر راه‌هایی برای دسترسی کودکان به مدارس امن، منضبط و عاری از خشونت به یاری می‌طلبند.

بسیاری از تنش‌ها و ناآرامی‌ها در مدرسه ناشی از رفتارهای میان فردی دانش‌آموزان است که با وجود زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی متفاوت، کنار هم در مدرسه تحصیل می‌کنند و هرگز آموزشی برای برقراری تفاهم و تقویت مهارت‌های اجتماعی دریافت نمی‌کنند. از طرفی، بخشی از رفتارهای خشونت‌آمیز شامل برخوردهای غیراصولی و غیرسازنده برخی از مسئولین مدارس و معلمان در قبال

1. Cartis

وسیعی در این ارایه می دهند و مدیران و برنامه ریزان تلاش می کنند راه هایی برای حل این مساله بیابند.

نتایج پژوهشی در آمریکا نشان می دهد که رفتارهای ناشایست دانش آموزان، که شامل طیف وسیعی از رفتارهاست، رو به افزایش است. دانش آموزان، ناآرام و بیقرارند، خارج از نوبت صحبت می کنند، تقلب می کنند، کلاس را بدون اجازه ترک می کنند و برای یکدیگر و معلمانشان احترام قایل نیستند. دعوای و زدوخوردها در مدارس رو به افزایش است و مواردی از خشونت گزارش شده است که با حمل چاقو و اسلحه به مدرسه همراه بوده و حتی قتل هایی صورت گرفته است. معلم ها از این خشونت ها در امان نیستند و آنان نیز در مواردی تهدید و مجروح شده اند «لوینسون<sup>۱</sup>» (۱۹۹۸).

در ایران، برخی از پژوهش های انجام شده در موضوع وجود خشونت دانش آموزان در مدرسه بیانگر آن است که خشونت کلامی و بدنی در مدارس - چه از سوی دانش آموزان به یکدیگر و چه از سوی معلمان و بزرگسالان به دانش آموزان - نسبتا بالا و درخور توجه است. نتایج این تحقیقات همچنین بر این موضوع اشاره دارد که موارد خشونت کلامی و بدنی در مدارس پسرانه در مقایسه با مدارس دخترانه به مراتب بیشتر است (بازرگان و همکاران، ۱۳۸۰).

سال ۱۹۹۵ در پژوهشی در شهر نورنمبرگ آلمان با عنوان «بررسی

وضعیت خشونت در مدارس»، از دانش آموزان سوال شد که در شش ماه گذشته از بین ۲۰ رفتار پرخاشگرانه یا خشونت آمیز در مدرسه کدامیک را آنان انجام داده اند. خشونت های کلامی به عنوان مهمترین عمل، از طرف اکثر دانش آموزان عنوان شد. (پسرها ۸۲/۹ و دخترها ۷۴/۱ درصد). در مرحله ی بعد، کتک کاری (پسرها ۴۸/۴ و دخترها ۱۵/۸ درصد)، دروغ گفتن و تهمت زدن به سایر دانش آموزان (پسرها ۴۰/۹ و دخترها ۲۳ درصد)، توهین کردن به معلم ها (پسرها ۳۵/۶ و دخترها ۳۲/۴ درصد)، آسیب به وسایل و تجهیزات مدرسه (پسرها ۴۱/۱ و دخترها ۲۷/۷ درصد) و کثیف کردن تجهیزات مدرسه (پسرها ۳۲ و دخترها ۳۱/۶ درصد) از رفتارهای رایج دانش آموزان بوده است.

همچنین محققى در کشور آلمان در بررسی میزان خشونت در مدارس ایالت باواریا، به این نتیجه دست یافته است که بیشترین میزان خشونت در این ایالت، در مدارس گزارش شده است که دانش آموزان با مشکلات یادگیری در آن تحصیل می کنند. این موضوع نشانگر اثرات منفی ضعف تحصیلی در توسل به خشونت است. در نتیجه باید به لزوم جستجوی راه هایی برای کمک به دانش آموزان برای موفقیت تحصیلی توجه کرد.

در زمینه ی خشونت دانش آموزان به یکدیگر، برخی از پژوهش ها بیانگر آن است که خشونت های کلامی و بدنی در مدارس - چه از سوی دانش آموزان نسبت به یکدیگر و چه از سوی بزرگسالان -

خانوادگی، کمبود سختگیری‌های اخلاقی و بی‌توجهی به مسئولیت‌های شخصی عنوان می‌کنند. این گروه به دنبال روش‌های جدی‌تر، انضباط شدیدتر و گنجاندن موضوعاتی مانند تعلیم و تربیت اخلاقی در مدرسه‌اند «بنت<sup>۱</sup>» (۱۹۸۸).

گروه‌هایی که به روش‌های آزادمنشانه‌تری معتقدند، کمبود حمایت اجتماعی برای ریشه کردن فقر و ناامیدی در جامعه را دلیل اصلی خشونت و پرخاشگری دانش‌آموزان در مدرسه می‌دانند. آنان بر این عقیده‌اند که شرایط ناخوش‌آیند تحصیل در مدرسه و بیرون از مدرسه، مانع از این می‌شود که دانش‌آموزان بتوانند تمرکز داشته و در مدرسه موفق شوند. این گروه عقیده دارند که توزیع عادلانه ثروت، ایجاد مشاغل و برنامه‌های جبرانی آموزش و پرورش می‌تواند در حل مسئله، موثر باشد. «کزل<sup>۲</sup>» (۱۹۹۱)

بنیادگرایان پیشنهاد می‌کنند که نظام تبعیض‌آمیز و سرمایه‌داری در جامعه، فضای خودخواهانه و رقابت‌آمیزی در درون و بیرون مدرسه به وجود می‌آورد که باعث می‌شود بسیاری از دانش‌آموزان از ادامه‌ی تحصیل و کسب امکانات و مدارک تحصیلی محروم شوند. این گروه تجدید ساختار و بهبود وضعیت سیاسی و اقتصادی را پیشنهاد می‌کنند. «اپل<sup>۳</sup>» (۱۹۹۳).

مطالعات قوم‌نگاری، مسئله را از دید دیگری بررسی می‌کند.

معمول است. پژوهشی در ایران در زمینه‌ی شناخت آسیب‌های وارده به مدارس تهران، تنوع و فراوانی آن و تعیین عوامل موثر بر اعمال آسیب‌ها (بازرگان و گودرزی، ۱۳۷۸) نشان می‌دهد که آسیب‌های وارده به تجهیزات کلاس شامل آسیب به میز و نیمکت کلاس‌ها، رنگ دیوارها، دستگیره‌های در و پنجره، تخته‌سیاه، میز و صندلی معلمان و در مرحله‌ی بعد آسیب به تجهیزات خارج از کلاس مانند شیرهای آب‌خوری و توالت، لامپ‌ها، کلید و پریزهای برق و وسایل ورزشی را دربر می‌گرفته است. یکی از نکات جالب این تحقیق، بررسی رابطه‌ی بین متغیر جنسیت و آسیب‌رسانی است که نشان می‌دهد در مدارس دخترانه و پسرانه، نوع آسیب‌ها تقریباً مشابه بوده و جنسیت در شدت آسیب‌رسانی به مدرسه و تجهیزات آن نقش چندانی نداشته است.

در بررسی فوق، عوامل عمده‌ی آسیب‌رسانی به مدارس از نظر دانش‌آموزان به دو بخش عوامل فنی معماری و عوامل رفتاری نسبت داده شده است که هر دو عامل، رابطه‌ی علت و معلولی داشته و هرکدام دیگری را تشدید می‌کند.

### علل رفتارهای خشونت‌آمیز دانش‌آموزان در مدرسه

در مورد علل کلی و راه‌حل مسئله خشونت در مدرسه، جهت‌گیری‌های متفاوتی در کشورهای غربی وجود دارد. محافظه‌کاران دلیل اصلی خشونت در مدرسه را از هم پاشیدگی

1. Bennet

2. Kozol

3. Apple